

برازجان

سرزمین آفتاب‌باد اوان

(پژوهش و نظریه‌ی نام‌شناختی)

دکتر عبدالرسول خیراندیش

بیات علمی دانشگاه شیراز



انتشارات آدابوم

۱۳۹۳

سرشناسه: خیراندیش، عبدالرسول، ۱۳۳۶
عنوان و نام پدیدآور: برازجان، سرزمین آفتاب بامدادان: پژوهش و نظریه‌ی
نام شناختی / عبدالرسول خیراندیش.
مشخصات نشر: تهران: آبادبوم، ۱۳۹۳ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۳۲۴-۹-۲
مشخصات ظاهری: تعداد صفحه: ۱۵۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: نام‌های جغرافیایی - ایران - برازجان - ریشه‌شناسی
رده‌بندی کنگره: DSR ۲۰۷۵ / ۲ خ ۹ ۱۳۹۲
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۶۴۴۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۳۰۹۳۸



انتشارات آبادبوم

برازجان سرزمین آفتاب بامدادان

نویسنده: عبدالرسول خیراندیش

اجرای گرافیکی طرح‌ها: افشین آریافر

طرح جلد: حمید مازیار

قیمت: ۱۰/۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه ۶-۷۷۱۴۵۰۶۳

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۳۲۴-۹-۲

فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| ۱۳ | دیاچه |
| ۱۹ | فصل اول: مقدمه |
| ۱۹ | علم شناخت نام‌های جغرافیایی |
| ۲۲ | گستره‌ی جغرافیایی زبان پهلوی جنوبی |
| ۲۳ | کلیدواژه‌های «منطقه برازجان»، «روستای برازجان» و «شهر برازجان» |
| ۲۴ | آشنایی کوتاه با موقعیت جغرافیایی برازجان دشتستان |
| ۲۷ | برازجان در تقسیمات کشوری |
| ۲۸ | نگاهی گذرا به تقسیمات تاریخ برازجان |
| ۳۰ | یک نکته‌ی قابل توجه در جغرافیای تاریخی برازجان |
| ۳۱ | فصل دوم: نظرات درباره‌ی مأخذ و معنای نام برازجان |
| ۳۲ | دیدگاه‌ها و آراء درباره‌ی نام برازجان |
| ۳۸ | تحقیقات استاد فراشبندی و دیگر محققان |
| ۴۴ | یک استنتاج |
| ۴۷ | فصل سوم: شواهد ادبی، تاریخی و جغرافیایی در مورد نام برازجان |
| ۴۷ | ضبط نام برازجان |
| ۵۰ | هفت مکان جغرافیایی با نام برازجان |
| ۶۱ | نام برازجان در کتیبه‌ی شاپور سکانشاه؟ |
| ۶۷ | فصل چهارم: تجزیه و تحلیل نام برازجان |

| | | |
|-----|-------|--|
| ۶۷ | | برز |
| ۷۲ | | براز |
| ۷۴ | | براز به عنوان نام و لقبی پرافتخار |
| ۷۵ | | شهر براز |
| ۷۵ | | برازه پدر مهنرسی |
| ۷۷ | | برازه حکیم و خاطره‌ی تاریخی مردم برازجان |
| ۸۰ | | براز در اعلام جغرافیایی قدیم |
| ۸۱ | | واژه‌های برز و براز در فرهنگنامه‌ها |
| ۸۳ | | نظر دکتر باستانی پاریزی درباره‌ی واژه‌ی «برز» |
| ۸۵ | | نظر پیگولوسکایا درباره‌ی واژه‌های «برز» و «برزان» |
| ۸۷ | | پسوندهای مکان‌ساز «جان» |
| ۸۹ | | فصل پنجم: معنای نام برازجان |
| ۸۹ | | برزثیتی در اوستا |
| ۹۳ | | برز و براز در بیان بلندی و روشنایی |
| ۹۹ | | بلندی‌های آفتابگیر بامدادان جلگه‌ی برازجان |
| ۱۰۰ | | «براز» در مفهوم جای برازنده‌ی سکونت |
| ۱۰۵ | | فصل ششم: نام برازجان در طول تاریخ |
| ۱۰۶ | | تموکا / تااوکه |
| ۱۰۸ | | اردشیر بابکان و دو برادر به نام‌های برز و براز (برز‌آذر) |
| ۱۱۱ | | برازجان در دو منبع مهم سده‌های نخستین اسلامی |
| ۱۱۴ | | برازجان روستایی در عصر میانه‌ی تاریخ ایران |
| ۱۱۵ | | برازجان فاریاب و برازجان کنونی |
| ۱۱۹ | | سخن پایانی |
| ۱۲۱ | | نمایه‌ی نام‌ها |
| ۱۳۳ | | کتابنامه |
| ۱۳۹ | | طرح‌ها و تصاویر رنگی |

فهرست عناوین جزئی

- ۱۹.....کنجکاوی انسان در مورد نام‌های جغرافیایی
- ۲۰.....علاقه‌مندی انسان‌ها به سرزمین خویش
- ۲۱.....منشاء فرهنگی نام‌ها
- ۲۱.....توپونومی علم‌شناخت نام‌های جغرافیایی
- ۲۲.....فیلولوژی علم لغت
- ۲۳.....زبان پهلوی ساسانی
- ۲۳.....ریشه‌یابی لغت برازجان از پهلوی اشکانی و اوستایی
- ۲۳.....روستای برازجان
- ۲۴.....منطقه و جلگه‌ی برازجان
- ۲۴.....شهر برازجان
- ۲۵.....برازجان دشتستان
- ۲۵.....برازجان قدیم و جدید
- ۲۶.....موقعیت بلندی‌ها در زمین سیلاب‌گیر برازجان
- ۲۶.....سایه روشن‌های بامدادان برازجان
- ۲۷.....قصبه‌ی برازجان
- ۲۸.....برازجان دوره‌ی باستانی
- ۲۸.....برازجان پیش از تاریخ
- ۲۸.....برازجان ایلامی و هخامنشی
- ۲۹.....برازجان دوره‌ی اشکانی و ساسانی
- ۲۹.....برازجان دوره‌ی اسلامی

| | |
|---------|---|
| ۲۹..... | برازجان جدید..... |
| ۲۹..... | برازجان فاریاب..... |
| ۳۰..... | برازجان کنونی..... |
| ۳۰..... | قدمت، استمرار و اصالت نام برازجان..... |
| ۳۲..... | بهتر از جان..... |
| ۳۲..... | بهر روز جان..... |
| ۳۳..... | برازه حکیم..... |
| ۳۳..... | بر+از+جان..... |
| ۳۳..... | بر+از+گاه..... |
| ۳۴..... | بزرگان..... |
| ۳۴..... | بازارگاه..... |
| ۳۵..... | برازك..... |
| ۳۵..... | درخشان..... |
| ۳۶..... | گرازدان..... |
| ۳۷..... | نقد واژه‌ی «گرازدان»..... |
| ۳۸..... | بررسی و نظر علیراد فراشبندی..... |
| ۴۰..... | بررسی و نظر حیدر عرفان..... |
| ۴۱..... | بررسی و نظر سروش اتابك زاده..... |
| ۴۱..... | بررسی و نظر محمدجواد فخرایی..... |
| ۴۳..... | بررسی و نظر اسماعیل شهرسبزی..... |
| ۴۳..... | بررسی و نظر دکتر سیدجعفر حمیدی..... |
| ۴۴..... | بررسی و نظر دکتر هیبت‌الله مالکی..... |
| ۴۷..... | برازجان در لغت نامه..... |
| ۴۸..... | برازگون..... |
| ۴۸..... | برازجون..... |
| ۴۹..... | صورت نوشتاری برازجان در زبان‌های اروپایی..... |
| ۵۱..... | برازجان دشتستان..... |

- ۵۱.....برازجان مرو
- ۵۲.....برازجان بوانات
- ۵۳.....برازجان شیراز
- ۵۶.....برازجان اوز
- ۵۸.....برازجان فیروز آباد
- ۶۰.....برازجان خان زنیان
- ۶۱.....جان برازان
- ۶۴.....«براز» یا «وراز» در کتیبه‌ی شاهپور سکاانشاه
- ۶۵.....نظر دکتر فرخ حاجیانی
- ۶۶.....اهمیت کتیبه‌ی شاهپور سکاانشاه برای نام برازجان
- ۶۷.....«برز» و «براز»
- ۶۸.....«برز» صفتی برای آب و آتش
- ۶۸.....«برز» و «بالا»
- ۷۰.....«برز» به عنوان صفت
- ۷۰.....«برز» به عنوان اسم
- ۷۲.....البرز
- ۷۲.....«براز» به معنای بلندی
- ۷۳.....«براز» به معنای اقامت
- ۷۴.....«براز» در لقب مرزبانان
- ۷۵.....ایران‌شهروراز
- ۷۵.....«شهربراز»، سردار پر آوازه‌ی ساسانی
- ۷۶.....«برازه» پدر «مهرنرسی»
- ۷۶.....«برازه» و «برازجان»
- ۷۷.....آتشکده‌ی «دادین» و برازجان
- ۷۷.....تداوم نام برازجان
- ۷۸.....اردشیر و برازه حکیم
- ۷۸.....جغرافیای تاریخی برازجان و ماجرای برازه حکیم

- گزارش ابن بلخی از سرگذشت «برازه» ۸۰
- بrazالروز ۸۰
- طایفه‌ای به نام «براز» ۸۱
- برهان قاطع ۸۲
- لغتنامه دهخدا ۸۲
- برزکوه ۸۳
- قوم «بارز» ۸۴
- «بارزان» و «برازی» ۸۴
- «برزمان» و «برزماهن» ۸۵
- برزان ۸۵
- «برزان» به معنای بزرگان شاهی ۸۶
- براز شاپور ۸۷
- «ان» در بیان نسبت و جمع ۸۷
- «جان» در لغت فارسی ۸۸
- هرابریستی ۹۰
- بلندبالا ۹۳
- برزی ۹۳
- برازدادن ۹۳
- بِلَ لَز ۹۴
- «بام» و «بامدادان» ۹۴
- میتراثیسم ۹۵
- خراسان ۹۶
- نساء ۹۷
- خورنگان ۹۹
- محلّه‌ی قلعه ۹۹
- تپه‌ی قلعه ۱۰۰
- شکل‌گیری برازجان جدید ۱۰۱

- کلات و کهن دژ..... ۱۰۳
- مقبره‌های خورشیدی..... ۱۰۳
- کاخ‌های هخامنشیان در دشتستان..... ۱۰۶
- تَوَّج..... ۱۰۷
- تموکای رن میسن..... ۱۰۷
- «تل خندق» و «تَب گو رو»..... ۱۰۸
- مانه..... ۱۱۰
- برزآتور..... ۱۱۰
- اشکال‌العالم..... ۱۱۲
- تذکره‌ی شاه زندو..... ۱۱۲
- «بارگاهی»، «زیارت» و «زیراه»..... ۱۱۴
- امیر هداب..... ۱۱۵
- زنگنه..... ۱۱۶
- میر مهنا..... ۱۱۶
- برازجان فاریاب..... ۱۱۶
- برازجانِ بَخَس..... ۱۱۷

دیباچه

پژوهش درباره‌ی نام «برازجان» اگر چه کاری طولانی بود، اما هیچگاه از آن احساس خستگی نکردم. علاقمندی به زادگاه و مردم اصیل و شریف آن هر چند برای من انگیزه‌ای قوی بوده است، اما پیش و بیش از آن، این احساس الهام‌بخش که درباره‌ی گوشه‌ای از تاریخ و فرهنگ پر افتخار ایران کهنسال جستجو می‌کنم در من شور و شوقی فراوان ایجاد می‌کرد. بر همین اساس و نیز با عنایت به تمامیتی که همان تاریخ و تمدن ایرانی است، به جستجو درباره‌ی نام برازجان پرداخته‌ام. نتیجه آنکه واژه‌ی برازجان و آنچه را که مربوط به آن یافته‌ام، به سان گوه‌ری است از گنجینه‌ی ادب، فرهنگ، تاریخ و تمدن این ملت بزرگ.

برای این منظور طی سالیان متمادی پرداختن به این پژوهش (از سال ۱۳۷۲ ه.ش)، شیوه‌های گوناگون بررسی، اعم از کتابخانه‌ای، مصاحبه‌ای و میدانی را به کار بسته‌ام و نیز از راهنمایی‌ها و کمک‌های استادان بسیار بهره برده‌ام. استادان ارجمند علیمراد فراشبندی، شاپور شهبازی، به ویژه دکتر هیبت‌الله مالکی، کربلایی کرم کوهستانی (کوهی برازجانی)، دکتر فرخ حاجیانی، دکتر محمود دستغیب بهشتی، دکتر جمشید صداقت‌کیش، دکتر باستانی پاریزی، خانم فاطمه بیگم روح‌الامینی، خانم دکتر آفرین توکلی، آقای حجه‌الله ساروئیه، آقای رضا زارع، دکتر سیروس نصرالله‌زاده، دکتر علیرضا عسکری چاوردی، آقای علاء‌الدین کراماتی، آقای محمدرضا برازجانی، دکتر مریم شبیری، مجتبی تبریزنیا و شاید کسانی دیگر که

نامشان را به خاطر ندارم مرا مرهون لطف خویش ساخته و از دانش و همکاری خود بهره‌مند ساخته‌اند؛ از همه‌ی آنان سپاسگزاری می‌کنم.

این پژوهش در قدم اول در مورد لغت برازجان و ریشه‌ی آن («برز» و «براز») است که به صورت نام آبادی‌های متعدد و نیز به صورت اسم و صفت در بسیاری از لغات فارسی میانه (پهلوی) و فارسی جدید (دری) وارد شده است. اما در نهایت به عنوان مورد بررسی (Case Study) شهر برازجان مرکز «دشتستان» در کانون پژوهش قرار گرفته است.

هر چند در ابتدا انجام پژوهشی کم‌حجم را در نظر داشتم اما حاصل تلاش طولانی، این مبحث را پر دامنه کرد و در عمل پژوهش درباره‌ی نام برازجان را مبدل به یکی از پژوهش‌های تفصیلی درباره‌ی یک نام جغرافیایی در مجموعه‌ی تحقیقات ایرانی ساخت.

پرداختن به معنای نام برازجان در ابتدا فقط برایم از این رو اهمیت داشت که در نگارش تاریخ برازجان به کار آید. در نتیجه نکته‌ی خاصی بیش از آنچه که در کتاب‌ها منعکس شده بود را مد نظر نداشتم. اما دو نکته کم‌کم مرا به پرسشی علمی در این باره کشاند. اول آنکه تعدد و تنوع نظرات در این باره را بسیار فراوان دیدم که خود موجب سردرگمی همگان می‌شد. دوم آنکه اندیشه و جستجو درباره‌ی آغاز تاریخ برازجان، موجب شد طبیعت و جغرافیای آن را مورد توجه دقیق قرار دهم. به این منظور مکان‌های جغرافیایی با نام برازجان را که تاکنون به صورت شهر در نیامده‌اند، مورد بررسی قرار دادم. به این منظور «برازجان بوانات» و سپس «برازجان اوز» را دیدم؛ بلندی این مکان‌ها نسبت به محیط اطراف موجب شد این نکته را فرضیه‌ای برای رسیدن به نتیجه مد نظر داشته باشم. بدین جهت بجز مکتوبات، موقعیت جغرافیایی و طبیعی «برازجان دشتستان» را مورد بررسی مکرر قرار دادم. تجربه‌ی سال‌ها زندگی و به سر بردن در کوچه‌ها و محلات شهر تا کوهستان و نخلستان

پیرامون آن سرانجام مرا بدین نتیجه رساند که بلندی مکان اولیه‌ی بنای شهر و موقعیت آن در قبال طلوع آفتاب، کلید درک این مطلب است. پژوهش‌های لغت‌شناسی در تاریخ و ادبیات فارسی و دست یافتن به شواهد بیشتر نیز مکمل این پژوهش‌ها شد. یافتن چند مکان دیگر با نام برازجان و بررسی آنها نیز نشان داد که قرار گرفتن در اولین روشنایی بامداد اساس این نام‌گذاری بوده است. پژوهش‌های مردم‌شناسی بخصوص در استان‌های فارس و کرمان نیز راهگشای بسیاری از مباحث تحقیق شد که تفصیل آن را در متن کتاب ملاحظه خواهید کرد. نتیجه آنکه برازجان به معنای زمینی است که به دلیل بلندی به نسبت زمین‌های اطراف و موقعیت طلوع خورشید در یک محل، اولین جایی است که در روشنایی صبح قرار می‌گیرد. بدین لحاظ هم زیبا و درخشان است و هم برازنده‌ی سکونت مردمان. این نظریه‌ای است که در این پژوهش بدان رسیده‌ام. هر چند باب پژوهش بیشتر هیچ‌گاه بسته نیست، اما سیر مطالب در این کتاب و نتایجی که به دست آمده چنین است:

واژه‌ی «برازجان» اکنون برای شش مکان جغرافیایی در ایران به کار می‌رود که معروف‌ترین آنها برازجان در دشتستان، از شهرهای استان بوشهر است. این نام که به احتمال در منابع قدیم و از جمله در کتیبه‌ی شاپور سکان شاه، شاهزاده‌ی ساسانی در کاخ تخر تخت جمشید هم ذکر شده، متعلق به زبان پهلوی است و محققان زبان‌های باستانی ایرانی آن را از لغت اوستایی «برزئیتی» می‌دانند. سپس به صورت «برز» و «براز» وارد زبان پهلوی و ادبیات زرتشتی شده است. همچنین علاوه بر نام مکان‌ها، به صورت پیشوند برای نام اشخاص یا به صورت صفت هم کاربرد یافته است. اکنون در استان کرمان همچنان واژه‌های «برز» و «براز» به معنای بلندی و روشنایی، میان مردم کاربرد دارد. اما لغت «برازجان» که اسم مکان است، براساس این تحقیق، ریشه در یک فرهنگ بسیار قدیمی دارد

که گذر قرن‌های بسیار، هم آن را به صورت‌های گوناگون درآورده و هم آنکه تا حدودی ارتباط معنایی اولیه و ثانویه‌ی آن را پنهان ساخته است. براساس این تحقیق، برازجان به معنای جای بلند است، اما منظور هر نوع بلندی یا داشتن بیشترین بلندی نیست، بلکه زمینی که به نسبت محیط اطراف خود در یک مکان، اولین اشعه‌ی آفتاب صبحگاهی را دریافت کند، «برازجان» نامیده می‌شود. چنانکه نام «البرز» و در اوستایی «هرابرزیتی» یا در پهلوی «هربروز» به همین معناست: جای بلندی که اولین آفتاب صبحگاهی را دارد و درخشان دیده می‌شود و به دلیل روشنایی، گرما و به طور کلی باز بودن، در معرض دید قرار دارد و در نتیجه برای سکونت مناسب دانسته می‌شود. بدین جهت برازجان به عنوان اسم مکان، دامنه‌ی معنایی از یک مکان طبیعی تا سکونتگاه انسانی را داراست. به همین جهت است که در لغت‌نامه‌های فارسی، براز به معنای بلندی و روشنایی و برازندگی معنا شده است. بستر جغرافیایی و سیر تاریخی نام برازجان دشتستان، از دیگر مباحث این کتاب به شمار می‌آید.

اکنون که آخرین تصحیحات و اضافات کتاب را انجام می‌دهم، نمی‌توانم اندوه عمیق خود را در فقدان برادرم، مرحوم دکتر ابراهیم خیراندیش، به دلیل ارتباطی که با این کتاب داشتند، ابراز ندارم. نظر به علاقه‌ای که ایشان به تاریخ، فرهنگ و مردم برازجان داشتند، همواره مشتاق و مشوق انجام این پژوهش بودند؛ نگارش مقدماتی کتاب را نیز مطالعه کردند و پیشنهادات و نظرات خود را ارائه دادند. اما متأسفانه در اواخر بهار ۱۳۹۲ش که این پژوهش مراحل پایانی خود را می‌گذراند، پس از یک دوره بیماری، جان به جان‌آفرین سپردند. با هزار افسوس اکنون که این کتاب عرضه می‌شود رخ در نقاب خاک کشیده‌اند. بسیار آرزومند بودم، آن اندازه فرصت می‌یافتند که برداشتن این گام کوچک

در خدمت به مردم شریف برازجان را شاهد باشند. حال که آن عزیز به سرای دیگر سفر کرده‌اند، این کتاب را به روح بلند و قلب مهربان ایشان تقدیم می‌نمایم. روحش شاد و یادش گرامی باد.

عبدالرسول خیراندیش

تابستان ۱۳۹۲

شیراز